



University of Tehran
Faculty of Theology and Islamic Studies

Iranian Journal for the History of Islamic Civilization

Print ISSN: 2228 - 7906

Online ISSN: 2645 - 5110

A Comparative Study of the Economic Geography of the Islamic World in the Works of al-Iṣṭakhrī's *Kitāb al-Masālik wa-l-Mamālik* and *Ashkāl al-‘Ālam*

Ashkan Gholami¹ 

1. Ph.D. Graduate in Islamic Period Iranian History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (ashkangholami26a@gmail.com)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 28 August 2024
Received in revised form: 9 November 2024
Accepted: 10 November 2024
Published online: 17 February 2025

Keywords:

al-Iṣṭakhrī,
Kitāb al-Masālik wa-l-Mamālik,
Geography of the Islamic World,
Transcendental,
Ashkāl al-‘Ālam.

ABSTRACT

The knowledge of geography became crucial from the early Islamic centuries due to the Arab conquests and the expansion of political borders. Consequently, Muslim thinkers produced independent works on the geography of the Islamic world, particularly during the ninth and tenth centuries. This study, employing an analytical-comparative approach and relying on library sources, examines the commonalities and differences in the economic geography of the Islamic world as presented in two geographical texts: al-Iṣṭakhrī's *Kitāb al-Masālik wa-l-Mamālik* and *Ashkāl al-‘Ālam*. The research indicates that the geographical and historical conditions of different regions within the Islamic world during the lifetimes of the two authors significantly influenced the nuances of their thought and their respective focus on the economic geography of the Islamic world. The author of *Ashkāl al-‘Ālam* paid particular attention to the economic geography of regions such as Sistān and Transoxiana, while al-Iṣṭakhrī focused more on the economic geography of the northern and western regions of the Islamic world, providing numerous reports.

Cite this article: Gholami, A. (2024). A Comparative Study of the Economic Geography of the Islamic World in the Works of al-Iṣṭakhrī's *Kitāb al-Masālik wa-l-Mamālik* and *Ashkāl al-‘Ālam*. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 57 (1), 157-178. DOI: 10.22059/jhic.2024.381612.654516



© The Author(s).
DOI: 10.22059/jhic.2024.381612.654516

Publisher: University of Tehran Press.

بررسی تطبیقی جغرافیای اقتصادی جهان اسلام در دو کتاب اشکال العالم (منسوب به جیهانی) و مسالک و ممالک اصطخری

اشکان غلامی^۱

۱. دانش آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، قزوین، ایران، رایانامه: Ashkangholami26a@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹</p> <p>کلید واژه‌ها: اشکال العالم، جغرافیای جهان اسلام، ماوراءالنهر، مسالک و ممالک</p>	<p>دانش جغرافیا از قرون اولیه اسلامی با فتوحات مسلمانان و گشوده شدن مرزهای سیاسی، اهمیت بسیاری یافت و اندیشمندان مسلمان، به ویژه در قرن سوم و چهارم هجری به نگارش آثار مستقل درباره جغرافیای جهان اسلام پرداختند. این پژوهش با شیوه تحلیلی - تطبیقی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، کوشیده است وجوه مشترک و تفاوت جغرافیای اقتصادی جهان اسلام را در دو کتاب جغرافیایی مسالک اصطخری و اشکال العالم بررسی کند. نتیجه پژوهش نشان داده است که شرایط جغرافیایی و تاریخی مناطق مختلف جهان اسلام در حیات دو نویسنده در فراز و فرود اندیشه و توجه آنان به جغرافیای اقتصادی جهان اسلام برای انتخاب و نقل روایات بیشتر یا کمتر عاملی مهم و اثرگذار بوده است. نویسنده اشکال العالم به جغرافیای اقتصادی مناطقی، چون سیستان و ماوراءالنهر و اصطخری به جغرافیای اقتصادی شمال و غرب جهان اسلام توجه داشته و گزارش‌های متعددی را ارائه کرده‌اند.</p>

استناد: غلامی، اشکان (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی جغرافیای اقتصادی جهان اسلام در دو کتاب اشکال العالم (منسوب به جیهانی) و مسالک و ممالک اصطخری. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۷ (۱)، ۱۵۷-۱۷۸.
DOI: 10.22059/jhic.2024.381612.654516



© نویسندگان.

DOI: 10.22059/jhic.2024.381612.654516

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

دانش جغرافیا، همواره در تمدن‌های مختلف مورد توجه بازیگران عرصه سیاست، اقتصاد، مذهب و غیره بوده است. با ظهور دین اسلام و فتوحات اعراب، مرزهای سیاسی شکسته شد و اقوام مختلف در شرایطی آسان‌تر امکان ارتباط و مبادلات در حوزه‌های مختلف فکری، اقتصادی و غیره را به‌دست آوردند. چنین شرایطی، موجب افزایش اهمیت دانش جغرافیا، به‌ویژه برای حکمرانان مسلمان شد که بر قلمرو وسیعی حاکمیت داشتند. به‌تدریج از قرن سوم، افرادی به‌نگارش آثاری به‌گونه خاص در حوزه جغرافیا دست‌یازیدند و به بیان ویژگی‌های سرزمین‌های مختلف جهان اسلام پرداختند. در این زمینه، قرن چهارم را شاید بتوان یکی از ادوار درخشان نگارش آثار جغرافیایی دانست.

در این قرن، دو کتاب *مسالك وممالك* و *اشكال العالم* نگاشته شدند که در پژوهش حاضر مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفتند. از این‌رو، تلاش شد که گزارش‌های اصطخری و صاحب *اشكال العالم* درباره جغرافیای اقتصادی جهان اسلام با نگاهی تطبیقی بررسی و وجوه مشترک و تفاوت روایات این دو اثر شناسائی و تحلیل شوند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با شیوه توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتاب‌خانه‌ای تنظیم شده است.

پیشینه پژوهش

آثاری درباره جغرافی‌نگاری اصطخری نگاشته شده است که به شرح ذیل است:

مقاله «مقایسه تحلیلی جغرافی‌نگاری ابن خردادبه و اصطخری» (۱۳۹۹)، نوشته علیجانی و شرفی که در این پژوهش به‌مسائل مورد توجه اصطخری در حوزه جغرافیای مذهبی، طبیعی و اقتصادی پرداخته شده است. جدا از نبود نگاه تطبیقی با کتاب *اشكال العالم*، اطلاعاتی که در حوزه جغرافیای اقتصادی در مقاله حاضر ارائه شده با داده‌های پژوهش علیجانی و شرفی نیز متفاوت است؛ به‌سخنی دیگر در ذکر جغرافیای اقتصادی مناطق مختلف جهان اسلام، روایاتی که در پژوهش حاضر نقل‌شده در تحقیق فوق ارائه نشده‌اند.

مقاله «بررسی وجوه افتراق جغرافی‌نویسان مکتب بلخی: اصطخری، ابن حوقل و مقدسی» (۱۳۹۹)، نوشته عرب‌عامری که در این اثر به‌مسائلی، هم‌چون منابع مورد استفاده جغرافی‌دانان مذکور، نظام

تقسیم‌بندی مطالب و نقشه‌ها پرداخته شده است. بر این اساس، تفاوت پژوهش حاضر با مقاله عامری کاملاً مشخص است؛ زیرا در پژوهش حاضر، روایات مربوط به جغرافیای اقتصادی جهان اسلام ارائه شده؛ اما در تحقیق عامری چنین کاری صورت نگرفته است.

مقاله «بررسی انعکاس گرایش‌های قومی، دینی و سیاسی در متون جغرافیایی: بررسی موردی المسالك و الممالک اصطخری و احسن التقاسیم مقدسی» (۱۳۹۹)، نگاشته عبادی، اذرنوش و بیات که در این پژوهش مطالبی، هم‌چون توجه به ایران و ایرانیان و کم‌توجهی به مناطق عربی و کم‌توجهی به برخی حکومت‌ها در شمال آفریقا بوده و بحثی درباره جغرافیای اقتصادی جهان اسلام بیان نشده است. مقاله «بررسی جغرافیای تاریخی منطقه جبال بر اساس کتاب ممالک و مسالك اصطخری» (۱۳۹۷)، نوشته رضایی سرچقا، همان‌طور که از عنوان پژوهش پیداست تمرکز نویسنده بر منطقه جبال بوده و به جغرافیای اقتصادی سایر نواحی جهان اسلام توجهی نداشته است.

مقاله «نقش جغرافیای تاریخی در کم‌رسانی به مطالعات تاریخی با تأکید بر مسالك و ممالک اصطخری» (۱۳۹۹)، نوشته سپهوند و رحیمیان که در این مقاله به مسائلی، چون نقل روایاتی در باب اقوام، روابط حاکمان مسلمان و غیر مسلمان، مکان‌های مذهبی و قبور پادشاهان در کتاب اصطخری پرداخته شده و به بازتاب جغرافیای اقتصادی جهان اسلام در اثر او توجهی نشده است.

ساختار مقاله

هدف، بیان علت شیوه تقسیم‌بندی جغرافیای جهان اسلام در پژوهش حاضر و در دو کتاب مسالك و اشکال العالم است. اصطخری و نویسنده اشکال العالم به‌طور مشترک، جهان اسلام را بر بیست اقلیم تقسیم‌بندی کرده که شامل دیار عرب، مغرب، مصر، جزیره، عراق، خوزستان و ... است. در این نوع تقسیم‌بندی، سرزمین‌های گوناگون بدون در نظر گرفتن جایگاهشان در چهار سوی شمال، جنوب، غرب و شرق جهان اسلام معرفی شده‌اند. این در حالی است که از دیدگاه نویسنده پژوهش حاضر، نواحی مختلف جهان اسلام، غرب، شرق، جنوب و شمال، تفاوت‌های اقلیمی و تحولات تاریخی قابل توجهی با یکدیگر دارند و بررسی در حوزه جغرافیا و شناخت استعدادهای طبیعی و فهم وضعیت اقتصادی بدون در نظر گرفتن این نکته ناقص است. صرف نظر از اینکه، اصطخری و صاحب اشکال العالم متوجه نکته فوق بوده یا نبوده‌اند، تصمیم گرفته شد که در پژوهش حاضر، جغرافیای اقتصادی جهان اسلام بر اساس تقسیم‌بندی شمال، جنوب، شرق و غرب مطرح و بر این اساس، مطالب دو کتاب مسالك و اشکال العالم بررسی شوند. در این راستا، می‌بایست اشاره کرد که از دیدگاه نویسنده پژوهش حاضر، مناطقی چون شام، مصر و شمال آفریقا در غرب جهان اسلام، شبه جزیره عربستان در جنوب، نواحی شمالی دریای خزر و

ارمنستان در شمال، مناطق مرکزی - عراق تا ری، اصفهان و فارس و نواحی شرقی جهان اسلام از سرزمین‌هایی، چون قومنس تا سیستان و ماوراءالنهر در نظر گرفته شده‌اند. دربارهٔ آذربایجان یا آسیای صغیر به سبب بی‌توجهی اصطخری و صاحب‌اشکال‌العالم بدین سرزمین‌ها، در پژوهش حاضر نیز سرزمین‌های فوق مطرح نشده‌اند.

نکتهٔ دیگری که می‌بایست دربارهٔ ساختار مقاله بدان اشاره کرد، دربارهٔ جدول‌هاست. در ذکر اسامی شهرها و مناطق، گاهی اسم یک شهر خاص (مانند بصره در عراق) و گاهی نام کلی یک سرزمین (مانند کرمان) ذکر شده است. دلیل آن این است که در برخی مواقع، اصطخری و صاحب‌اشکال‌العالم بدون ذکر نام منطقه یا شهر خاصی در ذکر اوصاف یک سرزمین (مانند کرمان یا خوزستان) به جغرافیای اقتصادی آن توجه نشان داده‌اند؛ بنابراین در جایی که دو نویسنده، نام منطقه یا شهر را به صورت جزئی و دقیق بیان کرده باشند در جدول نیز نام آن منطقه یا شهر نقل شده است؛ اما در جایی که نام منطقه‌ای را جزئی اعلام نکرده باشند، در جدول نیز نام آن سرزمین به صورت کلی بیان شده است.

زندگانی اصطخری و نویسنده اشکال‌العالم

محمد بن ابراهیم اصطخری صاحب کتاب *مسالك و ممالک* از جغرافی‌دانان قرن چهارم است. اطلاعات زیادی از زندگی او در دست نیست. همین مقدار معلوم است که به سرزمین‌های عربی و هند سفر کرد و بعد از تاریخ ۳۴۶ هجری وفات یافت (زرکلی، ۱۹۸۰م: ۶۱/۱). محمد بن ابراهیم اصطخری در ذکر اسامی فرمانروایان سامانیان، آخرین نفری که اسم آورده، نصر بن احمد (متوفی ۳۳۱) است. (ابن اثیر، ۱۳۸۳، جلد ۱۱: ۴۹۴۷؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۲۶). بنابراین، می‌توان گفت که کتاب اصطخری حدود ۳۰ الی ۴۰ سال (یک نسل) قبل از اشکال‌العالم نگاشته شده است.

کتاب *اشکال‌العالم* منسوب به فردی به نام ابو القاسم بن احمد جیهانی است. منصوری در مقدمهٔ این اثر، بحثی را بیان داشت که آیا این کتاب نوشتهٔ ابوعبدالله جیهانی (وزیر سامانیان - متوفی ۳۵۲ هجری) است یا خیر. ایشان گرچه، اعتراف می‌کند که هیچ کدام از منابع تاریخی، کتاب *اشکال‌العالم* را متعلق به ابوعبدالله جیهانی معرفی نکرده‌اند؛ اما در پایان، احتمال اینکه صاحب کتاب همان وزیر سامانیان باشد، مطرح نموده است (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۶ - ۷). بنابر قرینه‌ای، نگارش کتاب *اشکال‌العالم* دست‌کم در تاریخ ۳۶۶ و حداکثر تا ۳۸۷ هجری) انجام گرفته است؛ زیرا نویسنده در ذکر اسامی فرمانروایان سامانیان، آخرین نفری که اسم می‌آورد، نوح بن منصور است (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۲۲). نوح بن منصور در تاریخ ۳۶۶ هجری) به حکومت سامانیان رسید و در تاریخ ۳۸۷ وفات یافت (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۵۲۰۹/۱۲ و ۵۳۶۷). گرچه، بنابر گزارش گردیزی در اواخر حکومت منصور و اوایل حاکمیت فرزندش نوح بن منصور،

فردی به نام ابوعبدالله احمد بن محمد جیهانی مقام وزارت را برعهده داشته (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۶۲ - ۳۶۳). اما نمی‌توان مدعی بود که این شخص همان صاحب کتاب *اشکال العالم* بوده است. بعد از تحقیقات، برای نویسنده پژوهش حاضر نیز به‌طور قطعی مشخص نشد که مؤلف کتاب *اشکال العالم* کیست.

تعریف مفهوم جغرافیای اقتصادی

درباره جغرافیای اقتصادی می‌توان گفت: «شاخه‌ای از جغرافیای انسانی است که از اوایل قرن بیستم میلادی جای خود را به‌عنوان یک شاخه مستقل در علم جغرافیا باز نموده است. متعاقب کارکرد این شاخه، بخش مهمی از علم جغرافیا به جغرافیای جمعیت، جغرافیای کشاورزی، جغرافیای صنعتی و جغرافیای تجارت و بازرگانی اختصاص یافت» (مطیعی لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۳۵). در جای دیگر نیز، جغرافیای اقتصادی چنین تعریف شده است: «فعالیت‌های اقتصادی انسان را در سطح زمین در ارتباط با عناصر طبیعی مورد بررسی قرار می‌دهد» (فیاض انوش، ۱۳۹۴: ۲). نخستین گام جغرافیای اقتصادی، بررسی اشکال تولید و مصرف است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۳۶). اگر دقیق‌تر تعریف کنیم، جغرافیای اقتصادی به چهار مرحله تولید، توزیع، مبادله و مصرف مربوط است (فطرس، ۱۳۶۸: ۵۲). به‌طور خلاصه، مهم‌ترین هدف این شاخه از علم جغرافیا، بررسی نظام معیشتی انسان (سادسی، ۱۳۹۳: ۷۴). در یک محیط جغرافیایی است. با توجه به تعاریف ذکر شده، میان عملکرد اقتصادی و محیط جغرافیایی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که جغرافیای اقتصادی را شکل می‌دهد. در چنین شرایطی، اگر موضوع مورد تحقیق در بستر زمان قرار گیرد، رابطه‌ای ناگسسته میان جغرافیای اقتصادی و دانش تاریخ به وجود می‌آید. بر این اساس، برای فهم بهتر جغرافیای اقتصادی، سرزمین‌های مختلف (دوره‌های تاریخی گوناگون) می‌بایست به‌سه شاخصه شرایط تاریخی، عملکرد اقتصادی و ویژگی‌های محیط طبیعی توجه کرد. با نادیده گرفتن هر کدام از این سه مورد، نمی‌توان شناخت کامل و صحیحی از جغرافیای اقتصادی یک منطقه به دست آورد؛ بنابراین در صفحات پیش رو، تلاش می‌شود که سه شاخصه مذکور در قلمرو وسیع جهان اسلام و با نگاهی تطبیقی در دو کتاب *مسالك اصطخری و اشکال العالم* بررسی شوند؛ به‌سختی دیگر موضوعاتی، چون تأثیر شرایط تاریخی و تأثیر ویژگی‌های طبیعی محل تولد و زیست‌نویسنده بر جغرافی‌نگاری و گزینش و نقل روایات درباره جغرافیای اقتصادی بحث می‌شود.

نواحی مرکزی جهان اسلام

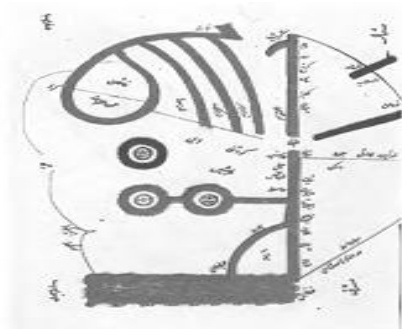
از دیدگاه نویسندۀ پژوهش حاضر (نه دیدگاه جغرافی دانان مکتب عراقی و بلخی)، سرزمین عراق، جزیره، غرب و مرکز ایران (تا ری - اصفهان - فارس) مناطق مرکزی جهان اسلام محسوب می‌شدند.^۱ دربارهٔ سرزمین عراق، برخی جغرافی دانان مکتب عراقی در قرن سوم و چهارم کتاب خویش را از بیان ویژگی‌های این منطقه شروع کرده‌اند؛ برای نمونه، ابن خردادبه در کتاب مسالک می‌گوید: «از منطقهٔ سواد شروع می‌کنم چون پادشاهان فارس به آن لقب دل ایرانشهر داده بودند» (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۷). یعقوبی در کتاب *البلدان* می‌گوید: «تنها بدان جهت ابتدا به عراق کردم که وسط دنیا و ناف زمین است» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴). البته، اصطخری و نویسندۀ *اشکال العالم* کتاب خویش را از سرزمین عربستان به جهت وجود خانهٔ کعبه شروع کرده اند (*اشکال العالم*، ۱۳۶۸: ۴۳؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۴). در زمان خلیفهٔ دوم از منطقه سواد^۲ (در عراق) ۱۲۸ میلیون درهم خراج دریافت می‌شد (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۹). در زمان حکومت معاویه، مقدار خراج منطقه فارس ۷۰ میلیون درهم، منطقه ری ۳۰ میلیون درهم و موصل ۴۵ میلیون درهم بودند (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱۲/۱۶۶).

با توجه به اینکه اقتصاد غالب آن روزگار کشاورزی بوده، می‌توان بر اساس اطلاعات یافت شده مدعی بود که اساس اقتصادی نواحی مرکزی جهان اسلام از همان قرون اولیه به شدت قوی بوده است. جدا از استقرار مرکز خلافت اسلامی در عراق، استعدادهای طبیعی و اقتصاد قدرتمند این منطقه می‌توانست عاملی در جلب نگاه مورخان و همچنین جغرافی‌نگاران مسلمان بوده باشد. اصطخری و مؤلف *اشکال العالم* تا حدودی به جغرافیای انسانی نواحی مرکزی جهان اسلام توجه کرده و بیشتر اطلاعات آنان مربوط به اقتصاد این ناحیه است. در جدول ذیل، ارائه یا ارائه نکردن اطلاعات در دو کتاب مذکور بیان شده و سپس گزارش‌ها تحلیل می‌شوند. گفتنی است که علامت تیک ✓ به معنای نقل روایت در کتاب و نشانهٔ ضربدر ⊗ به معنای نقل نشدن روایت در کتاب‌های مورد بررسی است.

۱. در کتاب *سرزمین‌های شرقی خلافت*، نوشتهٔ لسترینج در فصل‌های جداگانهٔ مناطق مختلف جهان اسلام، هم‌چون آذربایجان، گیلان، جبال، خوزستان، فارس، کرمان، سیستان، قهستان و غیره تقسیم‌بندی و بحث شده‌اند.
 ۲. بنا بر گفتهٔ لسترینج: «سواد شامل سرزمین بابل، سر حد بین عراق و جزیره بود» (لسترینج، ۱۳۷۷: ۲۶).

جدول شماره ۱. جغرافیای اقتصادی نواحی مرکزی جهان اسلام

اصطخری	نویسنده اشکال العالم	
⊗	✓	موصل
✓	⊗	برخی مناطق در جزیره
✓	⊗	منطقه سروج (در سرزمین جزیره عراق)
✓	⊗	سامرا
⊗	✓	بصره
⊗	✓	نهایند
⊗	✓	اصفهان
⊗	✓	خوزستان
✓	⊗	کرج
✓	⊗	قم
✓	⊗	شهر طیب (در خوزستان)
⊗	✓	کاشان
✓	⊗	فارس



تصویر نقشه - سفار رومی

عراق در کتاب اشکال العالم



عراق در کتاب مسالک اصطخری

جغرافیای اقتصادی سرزمین عراق، مورد توجه اصطخری و مؤلف *اشکال العالم* بوده است. مؤلف *اشکال العالم* در ذکر اوصاف منطقه موصل به درختان و کشاورزی پر آب آن (*اشکال العالم*، ۱۳۶۸: ۹۲) و ذکر اوصاف شهر بصره به خراج آن اشاره می‌کند (*اشکال العالم*، ۱۳۶۸: ۹۶). اصطخری اشاره‌ای به این مطالب نداشت؛ اما در ذکر اوصاف شهر سامرا اشاره می‌کند که میوه‌های آن بهتر از میوه‌های بغداد است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۸۶).

از سویی در ذکر اوصاف مناطقی، مانند نصیبین، بلده، دارا، راس العین، حدیثه و حران (همگی در سرزمین جزیره) نقل می‌کند که کشاورزی آنان از نوع دیمی است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۷۶-۷۸). در پایان مباحث مربوط به سرزمین جزیره به منطقه‌ای به نام سروج در نزدیکی شهر حران اشاره و بیان می‌کند که میوه‌های بسیار دارد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۸۰). شایان ذکر است که مؤلف *اشکال العالم* روایات اصطخری درباره مناطق جزیره و سامرا را نقل نکرده است. درباره ایران، تجارت میوه‌های منطقه نهاوند به عراق (*اشکال العالم*، ۱۳۶۸: ۱۴۲)، حبوبات خوزستان (*اشکال العالم*، ۱۳۶۸: ۱۰۵)، کاشی‌های کاشان (*اشکال العالم*، ۱۳۶۸: ۱۴۳) و زعفران اصفهان (*اشکال العالم*، ۱۳۶۸: ۱۴۱). مورد نظر نویسنده *اشکال العالم* و نواحی دیگری چون میوه‌ها و زراعت منطقه کرج (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۵) میوه‌ها و سختی معیشت در قم (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۶)، وزن پول‌ها و میزان خراج در فارس (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۳۵-۱۳۷). همچنین صنعت کمربندی‌سازی شهر طیب (در خوزستان) (اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۳). مورد توجه اصطخری بوده‌اند. توجه اصطخری به ناحیه فارس طبیعی است؛ زیرا محل تولد او بود. از سویی، کم توجهی نویسنده *اشکال العالم* نسبت به جغرافیای اقتصادی این منطقه، می‌تواند مولود محل زیست او (ماوراءالنهر) و همچنین شرایط تاریخی زمان حیات او و کاهش اهمیت سیاسی فارس با رفتن عضدالدوله به بغداد (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۵۲۲۵/۱۲-۵۲۲۶) باشد. توجه مؤلف *اشکال العالم* به جغرافیای اقتصادی خوزستان، می‌تواند

باز هم مولود شرایط تاریخی و وقوع تحولات متعدد در این ناحیه بوده باشد؛ مانند درگیری‌های بین دیلمیان و ترکان به تاریخ ۳۶۳ هجری (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۵۱۷۲/۱۲).

درباره بحث خراج، بر اساس جدول صاحب‌اشکال‌العالم به خراج شهر بصره اشاره کرده (اشکال‌العالم، ۱۳۶۱: ۹۶). اما، اصطخری گزارشی در این زمینه نقل نکرده است. توجه نویسنده اشکال‌العالم به اقتصاد منطقه بصره را می‌توان مولود شرایط جغرافیایی - تاریخی این ناحیه (در زمان زندگانی حیات نویسنده) دانست؛ برای نمونه، منبع معاصر با اشکال‌العالم تصریح کرده که بصره، قصبه‌ای ثروتمند بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۱۶۲). منطقه بطایع که در میان دو شهر بصره و واسط قرار (حموی، ۱۹۹۵: ۱/۴۵۰). و به بطایع بصره مشهور بوده (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۴۸). دارای دریاچه‌ها و شکارگاه‌هایی بود که برای عراق سود فراوانی داشتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۱۶۴ - ۱۶۵). با توجه به مباحث گفته شده، شرایط جغرافیایی بصره در زمانه نویسنده اشکال‌العالم، موجب افزایش اهمیت اقتصادی - سیاسی این ناحیه گشته و به احتمال زیاد، علت توجه مؤلف به مسائل مالی این منطقه، همین امر بوده است.

شمال جهان اسلام

نواحی جنوبی دریای خزر تا مناطقی چون ارمنستان جزو نواحی شمالی جهان اسلام بوده‌اند. طبرستان تا مدت‌ها به‌تصرف کامل اعراب درنیامده و خلفا بارها برای فتح آن تلاش کردند^۱. با توجه به مطالعات صورت گرفته، اصطخری (برخلاف نویسنده اشکال‌العالم) به شدت به جغرافیای اقتصادی شمال جهان اسلام توجه داشته است.

جدول شماره ۲. جغرافیای اقتصادی شمال جهان اسلام

اصطخری	نویسنده اشکال‌العالم	
		جغرافیای اقتصادی
✓	⊗	سواحل دریای خزر (مانند آتل و سمندر)
✓	⊗	خوارزم

۱. در تاریخ ۲۲ هجری اعراب مسلمان، گرگان و طبرستان را تصرف کردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، جلد ۴: ۱۵۲۸). در سال ۳۰ هجری بار دیگر اعراب به طبرستان حمله کردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، جلد ۴: ۱۶۳۷). در تاریخ ۱۴۱ هجری لشکریان خلیفه عباسی (منصور) به طبرستان حمله کردند (ابن اثیر، ۱۳۸۰: ۳۳۷۹/۸ - ۳۳۸۰).

نویسنده مسالک و ممالک در ذکر اوصاف سرزمین خوارزم به میوه‌های آن اشاره می‌کند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۸). در ذکر اوصاف دریای خزر و نواحی اطراف آن اشاره می‌کند که به‌غیر از تجارت میان مناطق اطراف دریای خزر، فایده دیگری هم‌چون استخراج مروارید از این دریا حاصل نمی‌شود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۷۵). در ذکر اوصاف قوم خزر (در کنار دریای خزر) به‌دسته‌بندی آنان، واردات لباس از سایر نواحی به قلمرو آنان پرداخته است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۸۰ - ۱۸۱). در ذکر نواحی اطراف دریای خزر به شهرهای به‌نام آتل و همچنین سمندر اشاره کرده و به‌زراعت، تجارت، میوه‌ها و خوراک مردم پرداخته است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۷۸ - ۱۷۹). علت توجه ویژه اصطخری به جغرافیای اقتصادی شمال جهان اسلام را می‌توان در دو عامل دانست: نخست، رشد اقتصادی این منطقه در حیات اصطخری (اواخر قرن سوم) است. روایات اصطخری درباره جغرافیای اقتصادی شمال جهان اسلام در ادامه نقل خواهند شد. صرفاً از باب نمونه بیان می‌شود که اصطخری به شهر سمندر و انگورهای فراوان آن اشاره داشته است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۷۸ - ۱۷۹). دوم اینکه، شرایط تاریخی زمانه حیات اصطخری است. در نیمه دوم قرن سوم، علویان توانستند در طبرستان حکومتی تشکیل دهند که تا نیمه نخست قرن چهارم ادامه داشت (ابن اثیر، ۱۳۸۳، جلد ۱۰: ۴۱۹۳ و جلد ۱۱: ۴۷۶۱). در مقابل نیمه دوم قرن چهارم (زمانه مؤلف اشکال‌العالم) کانون‌های قدرت در شهرهایی، چون اصفهان و بغداد قرار داشتند^۱. باید توجه داشت که بنا بر مستندات^۲ در نیمه دوم قرن چهارم، اقتصاد نواحی شمالی جهان اسلام با آسیب‌هایی روبه‌رو شد. نتیجه از اهمیت سیاسی نواحی ساحلی دریای خزر کاسته شد. این موضوع می‌تواند (به احتمال) دلیل کم توجهی نویسنده اشکال‌العالم به جغرافیای اقتصادی این مناطق باشد.

جنوب جهان اسلام

جنوب جهان اسلام، شامل شبه جزیره عربستان و نواحی جنوبی خلیج فارس می‌شود. حجاز، سرزمین ظهور اسلام بود و قبیله مسلمانان در این سرزمین قرار داشت. برخی از جغرافی‌دانان مکتب بلخی به‌همین سبب کتاب خویش را از این سرزمین شروع کرده‌اند؛ برای نمونه، اصطخری در ابتدای کتابش می‌گوید:

۱. هر دو شهر، پایتخت حکومت آل بویه بودند (بغداد - ابن اثیر، ۱۳۸۳، جلد ۱۲: ۵۰۶۶ و اصفهان - ابن اثیر، ۱۳۸۳، جلد ۱۲: ۵۲۰۵ - ۵۲۰۶).

۲. ابن حوقل (معاصر با نویسنده اشکال‌العالم) در سفرنامه خویش تصریح می‌کند که در تاریخ ۳۵۸ هجری از فردی در گرگان درباره شهر سمندر سؤال کرد. آن شخص جواب داد که بعد از حمله روس‌ها به این منطقه دیگر از میوه انگور چیزی باقی نمانده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۳۴).

«آغاز از دیار عرب کردیم؛ زیرا خانه خدا و قبیله مسلمانان در آنجاست» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵). از این رو، سرزمین حجاز از دیدگاه برخی جغرافی دانان اهمیت بسیاری داشت.

جدول شماره ۳. جغرافیای اقتصادی جنوب جهان اسلام

اصطخری	نویسنده اشکال العالم	جغرافیای اقتصادی
⊗	✓	منطقه عیص (در عربستان)
⊗	✓	منطقه مهره (در عربستان)
✓	✓	عمان

در باره جغرافیای اقتصادی، نویسنده اشکال العالم نسبت به اصطخری به مراتب بیشتر به تولید میوه برخی نواحی عربستان اشاره کرده است؛ برای نمونه در ذکر اوصاف ناحیه‌ای (که اسم این ناحیه را فیص می‌نامد) نقل می‌کند که میوه‌های این منطقه نسبت به سایر نواحی حجاز خوب تر است (به غیر از نقاط خاصی مثل مدینه) (اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۴۸). در ذکر اوصاف سرزمین مهره (در عربستان) اشاره می‌کند که در آنجا خرما و زراعی نیست و اموال ایشان شتر است و ولیان (اسم میوه) در آنجا تولید گشته و به سرزمین‌های دیگر فرستاده می‌شود (اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۵۱) در شهر ضحار در سرزمین عمان تجارت برقرار است (اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۵۱). در مقابل، اصطخری صرفاً در ذکر اوصاف سرزمین عمان اشاره می‌کند که کشتی‌های بزرگی به آنجا می‌رود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۷)

غرب جهان اسلام^۱

غرب جهان اسلام، شامل سرزمین شام، مصر و نواحی شمالی آفریقا مانند آفریقه^۲ و مغرب^۳ می‌شود. مصر در تاریخ ۲۰ هجری (طبری، ۱۳۸۳: ۵/ ۱۹۱۹) و آفریقه در تاریخ ۲۷ هجری تصرف شدند (طبری، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۶۰۵ - ۱۶۰۹). در تاریخ ۷۴ هجری حسان بن نعمان (فرماندار آفریقه از سوی خلیفه امویان) توانست لشکریان رومیان را در آفریقه شکست دهد (ابن اثیر، ۱۳۸۴: ۱۳۸۴/ ۶). بدین ترتیب، قدرت خلافت اسلامی در نواحی شمالی آفریقا افزایش یافت. بر اساس مطالعات صورت گرفته، نویسنده

۱. خوانندگان محترم برای کسب اطلاعات بیشتر درباره شهرهای شمال آفریقا، می‌توانند به مقاله رمضان رضائی «نگرشی تاریخی بر توصف جغرافیای تاریخی غرب جهان اسلام مراجعه کنند

۲. شامل کشور امروزی تونس است - مقدسی پایتخت آفریقه را شهر قیروان (در تونس امروزی) معرفی می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱، جلد ۱: ۳۱۹).

۳. مغرب، شامل کشورهای امروزی شمال آفریقا مانند الجزایر است.

اشکال العالم و اصطخری نسبت به جغرافیای این سرزمین توجه نشان داده و روایات متعددی را نقل کرده‌اند.

جدول شماره ۴. جغرافیای اقتصادی غرب جهان اسلام

اصطخری	نویسنده اشکال العالم	جغرافیای اقتصادی غرب جهان اسلام
⊗	✓	طرابلس (شمال آفریقا)
✓	⊗	شمونین (در مصر)
✓	⊗	اسنا و احمیم (در مصر)
✓	✓	شام (غور، بیت المقدس، حمص و انطاکیه)

نویسنده اشکال العالم و اصطخری هر دو به اقتصاد سرزمین شام توجه داشته‌اند. هر دو به وجود زیتون در بیت المقدس (اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۷۹ و اصطخری، ۱۳۴۰: ۶۱). و در توصیف منطقه غور در شام به وجود درختان خرما در آنجا اشاره داشته‌اند (همان: ۷۹). هر دو در اشاره به دمشق، و نویسنده اشکال العالم در اشاره به حمص و انطاکیه به وجود زمین‌های زراعی فراوان اشاره کرده است (همان: ۷۹ و ۸۱). درباره علت توجه هر دو نویسنده به جغرافیای اقتصادی سرزمین شام را می‌توان وقوع تحولات تاریخی مهم در این سرزمین دانست که برای نمونه می‌توان به جنگ‌های متمادی بین مسلمانان و رومیان اشاره کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۳، جلد ۱۱: ۴۷۵۱ و ۴۷۹۸، و ۱۳۸۳، جلد ۱۲: ۵۰۲۶ - ۵۰۲۷ و ۵۱۴۱). نویسنده اشکال العالم در ذکر اوصاف سرزمین طرابلس (در شمال آفریقا) اشاره می‌کند که نرخ‌ها در آنجا بسیار ارزان است (همان: ۶۲). در مقابل، اصطخری روایات متعددی در باب کشاورزی مصر ارائه داده است؛ برای نمونه در بیان ویژگی‌های شهر شمونین (در مصر) اشاره می‌کند که کشاورزی و درختان نخل دارد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۵۶). در ذکر اوصاف سرزمین مصر به دو ناحیه اسنا و احمیم اشاره کرده و می‌گوید که در آنجا کشاورزی و درختان نخل وجود دارد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۵۶). علت توجه زیاد اصطخری به جغرافیای اقتصادی مصر، می‌تواند مولود رشد اقتصادی این سرزمین در اواخر قرن سوم^۱ و بی‌توجهی مؤلف اشکال العالم، مولود بحران‌های اجتماعی - اقتصادی مصر در قرن چهارم باشد؛ برای نمونه در قرن چهارم، حوادث ناگواری در سرزمین مصر اتفاق افتاد؛ مانند زلزله سال ۳۴۰ هجری و شیوع بیماری وبا در سال ۳۵۷ هجری (انطاکی، ۱۹۹۰م: ۸۰ و ۱۲۲).

۱. یعقوبی در اواخر قرن سوم، روایاتی درباره کشاورزی شهرهای مختلف مصر ارائه داده است (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۱۰ - ۱۱۱ و ۱۱۳).

شرق جهان اسلام

شرق جهان اسلام از نواحی کرمان و قومس شروع و شامل سیستان، سند، خراسان، خوارزم و ماوراء النهر^۱ می‌شود. در دو طرف رودخانه جیحون قرار داشته و کمترین قسمت آن به خراسان نزدیک بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ۴۱۲/۲). کرمان و سیستان در تاریخ ۲۳ هجری به تصرف اعراب درآمدند (طبری، ۱۳۸۳: ۵/۲۰۱۴ - ۲۰۱۵). در تاریخ ۳۱ هجری، مسلمانان وارد خراسان شدند و شهرهای سرخس و نیشابور را فتح کردند (طبری، ۱۳۸۳: ۵/۲۱۵۷). در سال ۵۱ شهر بلخ (طبری، ۱۳۸۳: ۷/۲۸۴۹). و در تاریخ ۹۰ هجری بخارا تسلیم مسلمانان شدند (طبری، ۱۳۸۳: ۹/۳۸۲۲ - ۳۸۲۴). با توجه به مطالعات صورت گرفته، بیشترین حجم کتاب *مسالك اصطخری و اشكال العالم* مربوط به نواحی شرقی جهان اسلام است.

جدول شماره ۶ جغرافیای اقتصادی شرق جهان اسلام

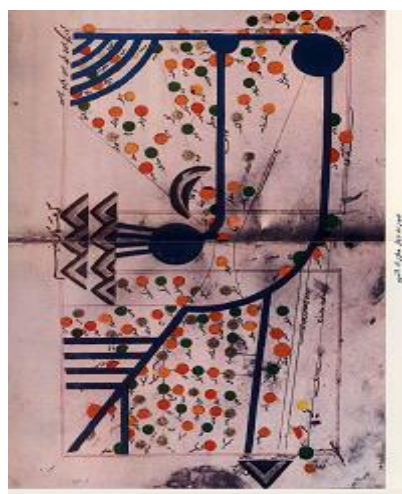
اصطخری	نویسنده اشكال العالم	جغرافیای اقتصادی شرق جهان اسلام
✓	⊗	کرمان
⊗	✓	سیستان
⊗	✓	منطقه طوران (در سند)
⊗✓	✓⊗	خراسان
⊗	✓	فرغانه (ماوراء النهر)
⊗	✓	فاراب (ماوراء النهر)
⊗	✓	طراز (ماوراء النهر)
⊗	✓	منطقه قبا (فرغانه - ماوراءالنهر)
⊗	✓	اوزکند (ماوراء النهر)
⊗	✓	اخصیکب (ماوراء النهر)
⊗	✓	چغانیان و سمرقند (ماوراء النهر)
⊗	✓	منطقه شومان (ماوراء النهر)
✓	⊗	خوارزم

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره سرزمین خوارزم، مقاله کوروش صالحی، «جایگاه خوارزم در جغرافیای اقتصادی جهان اسلام» پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی سال اول بهار و تابستان ۱۳۹۱ شماره ۱.

اصطخری	نویسنده اشکال العالم	جغرافیای اقتصادی شرق جهان اسلام
⊗	✓	طراویس (ماوراء النهر)
⊗	✓	شهر کش (ماوراء النهر)
✓	⊗	هرات
✓	⊗	مرو



ماوراء النهر در کتاب اشکال العالم



ماوراء النهر در کتاب مسالك اصطخری

در ذکر اوصاف سرزمین **خوارزم** به میوه‌های آن اشاره می‌کند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۸). اصطخری برخلاف نویسنده *اشکال‌العالم* به جغرافیای اقتصادی کرمان توجه کرده است. در ذکر اوصاف کرمان به معدن‌های بسیار آنجا اشاره کرده (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۴۱). در ذکر اوصاف منطقه هرمزد (در کرمان) به وجود نخل‌های بسیار آنجا و شغل اهالی - ارزن کاری - اشاره می‌کند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۴۳). در اوایل قرن چهارم کرمان، صحنه تحولات تاریخی بود؛ برای نمونه در سال ۳۲۲ هجری نصر بن احمد (فرمانروای سامانیان) کرمان را تصرف نمود (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۱ / ۴۸۳۸). تنها گزارشی که درباره تحولات تاریخی کرمان در نیمه دوم قرن چهارم (دوره زندگی نویسنده *اشکال‌العالم*) مشاهده شد؛ راهزنی قوم بلوچ‌ها در این ناحیه بود (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲ / ۵۱۵۲). با در نظر گرفتن شرایط ذکر شده، اهمیت سیاسی کرمان و تحولات تاریخی آن در اوایل قرن چهارم بیشتر بوده است. بنابراین، می‌توان احتمال داد که کاهش اهمیت سیاسی این ناحیه، موجب کاهش توجه صاحب *اشکال‌العالم* به جغرافیای اقتصادی آن بوده باشد.

در مقابل، نویسنده *اشکال‌العالم* برخلاف اصطخری به جغرافیای اقتصادی **سیستان** و سند توجه کرده و روایاتی در باب میوه‌ها و بیت‌المال این نواحی نقل کرده است. در ذکر اوصاف سرزمین سیستان به وجود میوه‌های بسیار هم‌چون انگور اشاره کرده (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۶۳). و در ذکر اوصاف سیستان به شهر رنج اشاره و بیان می‌کند که بیت‌المال در آنجا قرار دارد (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۶۳). در ذکر اوصاف سیستان به منطقه خواش اشاره و بیان می‌کند که در آنجا درختان خرما و میوه و زراعت بسیار دارد (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۶۴). در ذکر اوصاف سرزمین طوران (در سند) اشاره می‌کند که در آنجا خرما نیست، اما انار و انگور وجود دارد (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۳۶). توجه نویسنده *اشکال‌العالم* به سرزمین سیستان می‌تواند مولود شرایط تاریخی و وقوع تحولات سیاسی - نظامی این منطقه بوده باشد؛ برای نمونه در تاریخ ۳۵۳ هجری فردی به نام طاهر (در غیاب امیر خلف حاکم سیستان که به سفر حج رفته بود) بر این منطقه مسلط شد. بعد از بازگشت خلف به سیستان، طاهر حاضر نشد که حکومت را به او بدهد. خلف با درخواست کمک از فرمانروای سامانی توانست طاهر را شکست دهد و دوباره بر سیستان مسلط شود (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲ / ۵۱۰۳ - ۵۱۰۴).

اصطخری و نویسنده *اشکال‌العالم*، به‌طور مشترک به جغرافیای اقتصادی **خراسان** توجه کرده‌اند. نویسنده *اشکال‌العالم* در ذکر اوصاف طیس (در خراسان)، به خرما و آنجا (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۷۰). زعفران گنج رستاق (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۶۸). ارزانی نرخ‌ها در نساء (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۶۹). وجود صنایع در شهر قاین قهستان (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۷۰). همچنین ترنج و نیشکر بلخ (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۱۷۲) اشاره کرده است. در مقابل، اصطخری در ذکر اوصاف خراسان به منطقه پوشنگ اشاره و بیان

می‌کند که در آنجا درخت عرعر رشد نموده و به سایر نواحی فرستاده می‌شود. همچنین کوسوی (یکی از نواحی پوشنگ) دارای باغ و بوستان است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۱۱ - ۲۱۲). کشاورزی منطقه جاپایه (در خراسان) مورد توجه اصطخری قرار داشته است. (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۲۱۹). همچنین در ذکر مختصر اوصاف شهرهای خراسان بیان می‌کند که بهترین غلات متعلق به مرو بوده و بهترین زمین‌های کشاورزی که آبی هستند، برای نیشابور و زمین‌های دیمی در هرات و مرو قرار دارند (اشکال‌العالم، ۱۳۶۸: ۲۲۱). از باب مقایسه می‌توان مشاهده کرد که اصطخری به شهرهای مهم خراسان، مانند مرو، نیشابور و هرات توجه کرده؛ اما نویسنده اشکال‌العالم به این مناطق نپرداخته است. علت این امر را، می‌توان وقوع تحولات سیاسی - نظامی متعدد در شهرهای مهم خراسان در اوایل سده چهارم - هم‌زمان با ایام حیات اصطخری - دانست.^۱ در این میان، به تدریج از اواسط این قرن کانون تحولات تاریخی به نقاط دیگری همچون بخارا (پایتخت سامانیان) و اصفهان و ری (پایتخت آل بویه) منتقل گردیده و مورخان توجه کمتری به وضعیت شهرهای دیگر داشته‌اند.^۲ البته، دلایل دیگری نیز می‌توان در کاهش اهمیت برخی شهرهای خراسان مطرح نمود؛ برای نمونه در اواسط قرن چهارم، به واسطه وقوع حوادث طبیعی^۳ که بنا بر احتمال، تأثیر مخربی بر اوضاع اقتصادی خراسان بر جای گذاشت^۴ از اهمیت اقتصادی برخی از نواحی این سرزمین کاسته شد.

درباره سرزمین **ماوراءالنهر**، زعفران چغانیان و کرباس‌های سمرقند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۲۷). تولید زعفران در شومان (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۴). تولید کرباس‌ها در طراویس (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۴). همچنین حبوبات شهر کش (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۵۵). مورد توجه اصطخری بوده است. در مقایسه، نویسنده اشکال‌العالم روایات بیشتری درباره جغرافیای اقتصادی ماوراءالنهر نقل کرده که می‌تواند قرینه‌ای در باب محل زیست نویسنده در این سرزمین بوده باشد؛ برای نمونه سیب و انگور کوه‌های فرغانه

۱. مانند شورش منصور بن اسحاق و حسین بن علی در نیشابور علیه سامانیان به سال ۳۰۲ هجری (ابن اثیر، ۱۳۸۲، جلد ۱۱: ۴۶۶۸). تصرف نیشابور به دست لیلی بن نعمان سردار علویان طبرستان به تاریخ ۳۰۸ هجری (ابن اثیر، ۱۳۸۲، جلد ۱۱: ۴۷۰۱). همچنین حمله ابو زکریا یحیی (برادر فرمانروای سامانیان) به شهر هرات به سال ۳۱۸ هجری (ابن اثیر، ۱۳۸۲، جلد ۱۱: ۴۷۸۰).

۲. برای نمونه، ابن اثیر در ذکر تحولات تاریخی فی مابین سال‌های ۳۵۰ الی ۳۶۵ هجری گزارشی در ارتباط با اقتصاد و عظمت شهرهایی، مانند نیشابور و هرات نقل نکرده است.

۳. مانند زلزله شدید در خراسان به تاریخ ۳۳۱ هجری که به قول ابن اثیر بسیاری از آبادی‌ها را از بین برد (ابن اثیر، ۱۳۸۲، جلد ۱۱: ۴۹۵۰). ابو دلف که بین سال‌های ۳۳۰ الی ۳۴۰ هجری از شهرهای ایران دیدن کرده بعد از ذکر اوصاف خوارزم چنین نقل می‌کند: چند سال قبل بیش از ۳۰ قریه در خوارزم به زمین فرو رفت. بعد از خروج از خوارزم و رسیدن به نیشابور مشاهده کردم که زمین‌های آن نیز به زمین فرو رفته بود (ابی دلف، ۱۳۵۴: ۸۴).

۴. هم‌زمان با دوران حیات نویسنده اشکال‌العالم، مقدسی اشاره می‌کند که در نیشابور گرانی کالا وجود دارد و محتسبان هیبتی ندارند (مقدسی، جلد ۲: ۴۶۱). در جای دیگری نقل می‌کند که بازاری زیبا و کاروانسرای شایانی ندارد (مقدسی، جلد ۲: ۴۶۱).

(اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۱۸۱). بستان‌های منطقه قبا در این سرزمین (اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۱۹۴). بازارها و زراعت منطقه فاراب در ماوراءالنهر (اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۱۹۳). تجارت مسلمانان و ترکان در شهر طراز (اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۱۹۳). تجارت بازرگانان ترکان در اوزکند (اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۱۹۴ و ۱۹۵). همچنین حیوانات شتر و گوسفند در منطقه اخسیکب ماوراءالنهر (اشکال العالم، ۱۳۶۸: ۱۸۲). همه مورد توجه صاحب *اشکال العالم* قرار داشته‌اند. نکته در خور توجه (بر اساس جدول تهیه شده) اینکه، اصطخری به جغرافیای اقتصادی ماوراءالنهر توجهی کمتر داشته است. علت این امر را می‌توان کاهش اهمیت این سرزمین در اوایل سده چهارم و اهمیت یافتن مناطق دیگری (در خراسان و نه ماوراءالنهر) و افزایش اهمیت ماوراءالنهر در نیمه دوم قرن چهارم دانست. در این راستا، وقوع تحولات سیاسی - نظامی مهم در نیمه دوم قرن چهارم در افزایش اهمیت ماوراءالنهر نقش داشته است؛ برای نمونه در تاریخ ۳۶۰ هجری منصور بن نوح سامانی، سفیری را از جانب خویش به نام ابو عبدالله محمد نزد ترکان ماوراءالنهر فرستاد که به دست آنان کشته شد (سمعی، ۱۹۶۲ م: ۳/ ۳۵۹). ابن حوقل^۱ به مرزداران مسلمان در سرزمین ماوراءالنهر اشاره و تصریح می‌کند که ترکان صبح و شب مردم را تهدید می‌کنند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۷). در جای دیگری به بارویی در کناره رودخانه شهر چاچ اشاره و تصریح می‌کند که مانع از حملات ترکان به قلمرو مسلمانان می‌شود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۳۴). بنابراین، می‌توان احتمال داد که وقوع تحولات تاریخی و افزایش تهدید ترکان، موجب اهمیت یافتن سرزمین ماوراءالنهر و توجه نویسندگان *اشکال العالم* به این منطقه شده است؛ البته بر اساس روایات نقل شده، اصطخری به کشاورزی و صاحب *اشکال العالم* به مواردی چون قیمت اجناس و صنایع توجه کرده‌اند. همچنین بر اساس داده‌ها (در باب سرزمین ماوراءالنهر)، مهم‌ترین موضوع محوری روایات مؤلف *اشکال العالم*، تجارت و سپس کشاورزی است. با توجه به اشاره صاحب *اشکال العالم* به تجارت بین مسلمانان ماوراءالنهر و ترکان غیر مسلمان و فعالیت ترکان در امر تجارت، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که با افزایش قدرت و روابط ترکان در نیمه دوم قرن چهارم با قلمرو سامانی، توجه نویسندگان (هم‌چون صاحب *اشکال العالم*) به فعالیت این گروه افزایش یافته و نگاه‌ها به مسائلی، چون اقدامات سیاسی و اقتصادی آنان جلب شده است.

۱. معاصر با نویسنده *اشکال العالم* بود و دوران منصور بن نوح سفری به خراسان داشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۸).

نتیجه گیری

شرایط جغرافیایی (محل تولد) و تاریخی (وقوع حوادث سیاسی - نظامی مهم) در فراز و فرود نگاه و توجه اصطخری و نویسندۀ *اشکال العالم* به جغرافیای اقتصادی نواحی مختلف جهان اسلام عاملی اثرگذار بوده است. هر دو نویسنده به اقتصاد نواحی مرکزی جهان اسلام، مانند عراق توجه نشان دادند که می تواند مولود استقرار مرکز خلافت و همچنین استعدادهای طبیعی فراوان این منطقه در رونق اقتصادی بوده باشد. درباره نواحی شمالی جهان اسلام، اصطخری برخلاف نویسندۀ *اشکال العالم* به جغرافیای اقتصادی نواحی اطراف دریای خزر توجهی ویژه نشان داده است که می تواند مولود وقوع تحولات تاریخی مختلفی، هم چون تشکیل حکومت علویان طبرستان بوده باشد. درباره شرق جهان اسلام، نویسندۀ *اشکال العالم* برخلاف اصطخری به جغرافیای اقتصادی سیستان و سند توجه کرده است. اصطخری و نویسندۀ *اشکال العالم*، به طور مشترک به جغرافیای اقتصادی خراسان پرداخته اند. البته، بر اساس روایات نقل شده اصطخری به کشاورزی و نویسندۀ *اشکال العالم* به مواردی، چون قیمت اجناس و صنایع توجه کرده اند. در زمینه سرزمین ماوراءالنهر، نویسندۀ *اشکال العالم* برخلاف اصطخری، به جغرافیای اقتصادی این منطقه، توجهی ویژه داشته و مهم ترین موضوع محوری روایات او تجارت و سپس کشاورزی بوده است. نکته درخور توجه اینکه، تشخیص محل زیست نویسندۀ *اشکال العالم* بر اساس اطلاعات او، در حوزه جغرافیای اقتصادی جهان اسلام است. با توجه به اطلاعات و حجم آنان می توان احتمال قوی داد که صاحب *اشکال العالم* در نواحی شمال شرقی جهان اسلام (ماوراءالنهر) می زیسته است.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۳). *تاریخ کامل*. برگردان حمید رضا آذیر. تهران: اساطیر.
- ابن حوقل (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل*. ترجمه جعفر شعار. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، عبيدالله (۱۳۷۱). *مسالك و ممالك*. ترجمه سعيد خاكرند. تهران: موسسه مطالعات و انتشارات ميراث ملل.
- اشكال العالم، نامعلوم (۱۳۶۸). *مقدمه فيروز منصوري*. آستان قدس رضوی: شرکت به نشر.
- اصطخري، ابراهيم (۱۳۴۰). *مسالك و ممالك*. اهتمام ايرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب.
- انطاكي، يحيى بن سعيد (۱۹۹۰م). *تاريخ الانطاكي*. تحقيق عمر عبدالسلام تدمري. طرابلس - لبنان.
- رضائي، رمضان (۱۴۰۱). *نگرشی تاریخی بر توصیف جغرافیای تاریخی غرب جهان اسلام*. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۵ (۵۵).
- زرکلی، خیرالدین محمود (۱۹۸۰م). *الاعلام*. چاپ پنجم. بیروت: دارالعلم للملایین.
- سادسی، محمد رضا و الهی زاده، محمدحسن (۱۳۹۳). *تأثیر جغرافیای اقتصادی قهستان در مناسبات نزاریان و سلجوقیان*. پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ۳ (۱).
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۵۱۳۸۲-۱۹۶۲م). *الأنساب*. المحقق: عبد الرحمن بن يحيى المعلمی الیمانی و غیره. الطبعة: الأولى. الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- طبري، محمد بن جرير (۱۳۸۳). *تاريخ طبري*. ترجمه ابو القاسم پاینده. چاپ ششم. تهران: اساطیر.
- عرب عامري، مصطفى (۱۳۹۹). *بررسی وجوه افتراق جغرافی نویسان مکتب بلخی: اصطخری، ابن حوقل و مقدسی*. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۱.
- علیچانی، مهدی (۱۳۹۹). *مقایسه تحلیلی جغرافی نگاری ابن خردادبه و اصطخری*. تاریخ نگاری و تاریخ نگاری الزهراء، ۳۰ (۲۵).
- فطرس، محسن حسن (۱۳۶۸). *جغرافیای اقتصادی و اهمیت آن در برنامه ریزی توسعه*. نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی.
- فیاض انوش، ابو الحسن و آذرخش، مریم (۱۳۹۴). *جغرافیای اقتصادی ماوراء النهر از منظر مورخان و جغرافی دانان مسلمان*. رهیافت تاریخی.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی (۱۳۶). *تاریخ گردیزی*. تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- لسترینج، گی (۱۳۷۷). *سرزمینهای خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۷۲). *نگرشی بر کارکردهای جغرافیای اقتصادی*. ادبیات و زبانها.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۶). *البلدان*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- Estakhari, Ebrahim, Masalak and Malikas, Iraj Afshar's attention, Tehran: Book Translation and Publishing Company, 1340.
- Gardizi, Abu Saeed Abdulhai , Tarikh Gardizi, edited by Abdulhai Habibi, Tehran, Farhang Iran Foundation Publications, 1363.
- Ibn Khordadabah, Obaidullah, Masalak and Malikas, translated by Saeed Khakrand, Heritage of Nations Studies and Publications Institute, Tehran, 1371..
- History of Sistan, unknown, edited by Malik al-Shaara Bahar, Tehran: Khavar Institute, 1352.
- Ibn Hawqal , travel book of Ibn Hawqal, translated by Jafar Shaar, Tehran: Amir Kabir, 1366.
- Alijani, Mehdi, spring and summer 2019, "Comparison of Ibn Khordadabah and Istakhari's geography research", al-Zahra historiography and historiography, year 30, number 25.
- Ameri, Mustafa Arab, autumn 2019, "Research on the differences between Balkh school of geographers: Istakhari, Ibn Hawqal, and Moghaddasi", History of Islamic Culture and Civilization, 11th year.
- Rezaei, Ramadan, Azar 1401, "Historical Perspective on the Description of the Historical Geography of the West of the Islamic World", Journal of New Achievements in Humanities Studies, Year 5, Number 55.
- Fayaz Anoush, Abul Hasan and Maryam Azarakhsh, Spring 2014, "Economic Geography of the Trans-Nahram from the Perspective of Muslim Historians and Geographers", Historical Approach.
- Sadsi, Mohammad Reza and Mohammad Hasan Elahizadeh, 2013, "Effect of the economic geography of Qahestan on the relations between the Nazarians and the Seljuks", Social and Economic History Research Journal, 3rd year, 1st issue, Spring and Summer.
- Matiei Langroudi, Hassan, 1372, "A perspective on the functions of economic geography", Literature and Languages, Tabsnan

Transliteration

- Alijani, Mahdi (2010). Analytical Comparison of ibn Khordadbeh and Istakhri's Geography Writing. Historical perspective and Historiography of Alzahra, 30 (25).
- Anṭākī, Yaḥyā b. Sa 'īd (1990). Tārīk al-Anṭākī. Research by Omar Abd al-Salam Tadmur. Tripoli – Lebanon.
- Arab Ameri, Mostafa (2019). Investigating the Differences between the Works of Geographers of Balkhi School: Istakhri, Ibn Hawql and Moqaddasi. History of Islamic Culture and Civilization, 11.
- Aškāl ul- 'Ālam, Unknown (1368). Introduction by Firuz Mansoori. Astān-e Qods Rażavī: Company for Publishing.
- Estakrī, Ebrāhīm (1340). Masālik va Mamālik. Attention of Iraj Afshar. Tehran: Book

- Translation and Publishing Company.
- Fayyaz Anoush, Abu al-Hassan and Azarakhsh, Maryam (2015). Economic geography of Transoxiana from the perspective of Muslim historians and geographers. Historical approach.
- Futros, Mohsen Hassan (1989). Economic geography and its importance in development planning. Political-Economic Information.
- Gardīzī, Abū Sa‘eed Abdulhai (1996). *Tārīq-e Gardīzi*. Edited by Abdulhai Habibi. Tehran: Iranian Culture Foundation Publications.
- Ībn Aṭīr, ‘Īzz ul-Dīn (2005). *Tārīq-i Kāmīl*. Translated by Hamid Reza Azhir. Tehran: Asāfīr.
- Ībn Ḥawqal (1988). *Safarnāmeḥ-e Ībn Ḥawqal*. Translated by Jafar Shoar. Second edition. Tehran: Amīr Kabīr.
- Ībn ḵordāqbīh, ‘Ubaydollāh (1993). *Masālik wa Mamālīk*. Translated by Saeed Khakrand. Tehran: Institute for the Study and Publication of the Heritage of Nations.
- Le Strange, Guy (1998). *The lands of the eastern caliphate*. Translated by Mahmoud Erfan. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Motie Langroodi, Hassan (1993). *An approach to the functions of economic geography. Literature and languages*.
- Rezaei, Ramazan (1401). A Historical Perspective on Describing the Historical Geography of the West of the Islamic World. *Journal of Modern Advances in Humanities Studies*, 5 (55).
- Sadsi, Mohammad Reza and Elahizadeh, Mohammad Hassan (2014). The impact of the economic geography of Qohestan on the relations between the Nizarids and the Seljuks. *Social and Economic History Research Journal*, 3 (1).
- Sam‘ānī, ‘Abd al-Karīm b. Moḥammad (1962). *Al-Anṣāb*. Researcher: Abdul Rahman b. Yahya Al-Muallimi Al-Yamani and others. Edition: First. Publisher: Ottoman Encyclopedia Council.
- Ṭabarī, Moḥammad b. jaṛīr (2014). *Tārīq-e Ṭabarī*. Translated by Abu Al-Qasim Payandeh. Sixth edition. Tehran: Asāfīr.
- Ya‘qūbī, Aḥmad b. Abī Ya‘qūb (1977). *Al-Boldān*. Translated by Mohammad Ebrahim Ayati. Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Zirikli, Khair al-Din Mahmoud (1980). *Al-A‘lām*. Fifth edition. Beirut: Dār Al-‘Ilm Līl-Malāyyīn.